



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



ESJI
www.ESJIndex.org

Eurasian
Scientific
Journal
Index



Academic
Resource
Index
ResearchBib



Academia.edu
share research



سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار	۲۸	دوره انتشار	۸	صفحات	۱-۱۹
------------	------	--------------	----	-------------	---	-------	------

مطالعه تطبیقی روش‌های جبران خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران و افغانستان

آقای دکتر فضل احمد حقانی، آقای دکتر محمود اسپانلو و آقای دکتر محمد باقر گرایلی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی جامعه المصطفی العالمیه واحد گرگان

مدرس دانشگاه و دادستان گرگان

استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه حقوق و علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.

چکیده

یکی از موضوعات اساسی و چالش‌برانگیز در حقوق معاصر، مسئله چگونگی جبران خسارت‌های غیرمادی است. با توجه به ماهیت غیرمادی این گونه خسارات، طراحی و پیش‌بینی سازوکارهای کارآمد و قابل قبول جهت جبران آن همواره با دشواری‌های نظری و عملی قابل توجهی همراه بوده است. نظام‌های حقوقی ایران و افغانستان نیز از این مسئله مستثنی نبوده و در فرایند تدوین و اجرای سازوکارهای جبران خسارت معنوی با مشکلات و کمبودهای متعددی مواجه‌اند. پژوهش حاضر با رویکردی تطبیقی، به تحلیل و واکاوی روش‌های موجود جبران خسارت معنوی در این دو نظام حقوقی می‌پردازد و ابعاد مادی و غیرمادی روش‌های جبرانی را مورد بررسی دقیق قرار می‌دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که گرچه نظام‌های حقوقی ایران و افغانستان در پذیرش اصل جبران خسارت معنوی شباهت‌های بنیادینی دارند، اما در پیش‌بینی، اجرای سازوکارهای مؤثر و تضمین حقوق زیان‌دیدگان، با چالش‌ها و تفاوت‌های چشمگیری مواجه هستند. این پژوهش در نهایت بر ضرورت بازنگری در قوانین و توسعه رویه‌های مؤثر برای حمایت بهتر از زیان‌دیدگان تأکید می‌ورزد.

واژگان کلیدی: خسارت معنوی، جبران خسارت غیرمادی، روش‌های جبران خسارت، نظام حقوقی ایران و افغانستان، مسئولیت مدنی، مطالعات تطبیقی حقوقی

طبقه‌بندی: JEL : فقه – حقوق – جزا و جرم‌شناسی – حقوق بین‌الملل – حقوق خصوصی



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



A Comparative Study of Compensation Methods for Moral Damages in the Legal Systems of Iran and Afghanistan

Abstract

One of the fundamental and challenging issues in contemporary law is the question of how to compensate for non-pecuniary damages. Given the non-material nature of such damages, designing and establishing efficient and acceptable mechanisms for their compensation has always been accompanied by significant theoretical and practical difficulties. The legal systems of Iran and Afghanistan are no exception to this issue and face numerous problems and shortcomings in the process of developing and implementing mechanisms for compensating moral damages. This research, with a comparative approach, analyzes and examines the existing methods of compensating for moral damages in these two legal systems and meticulously investigates the material and non-material aspects of compensatory methods. The findings of the research indicate that although the legal systems of Iran and Afghanistan share fundamental similarities in accepting the principle of compensating for moral damages, they face significant challenges and differences in predicting and implementing effective mechanisms and guaranteeing the rights of the aggrieved. This study ultimately emphasizes the necessity of revising laws and developing effective procedures to better protect the victims.

Keywords: Moral damage, non-pecuniary compensation, compensation methods, Iranian and Afghan legal systems, civil liability, comparative legal studies.



متن مقاله

روش‌های جبران خسارت معنوی بر اساس متون قانونی شامل رد مال یا معادل آن، رفع منبع زیان، عذرخواهی شفاهی یا کتبی و انتشار آن، و اعاده حیثیت زیان‌دیده است. با این حال، از آنجا که شدت و نوع خسارت معنوی در افراد متفاوت است و هدف اصلی، تسکین آلام روحی و روانی زیان‌دیدگان می‌باشد، قانون تنها مهم‌ترین مصادیق را بیان کرده و تعیین شیوه مناسب جبران به عهده رویه قضایی گذاشته شده است. با وجود این، در ایران و افغانستان رویه قضایی غالباً نسبت به این موضوع منفعل بوده است. از همین‌رو، این پژوهش به بررسی روش‌های جبران خسارت معنوی در دو نظام حقوقی ایران و افغانستان می‌پردازد و پرسش‌های محوری آن عبارت است از: روش‌های جبران خسارت معنوی در دو نظام حقوقی چگونه است؟ آیا روش‌های غیرمالی حصری‌اند یا تمثیلی؟ و کیفیت جبران در ایران نسبت به افغانستان چه تفاوتی دارد؟

۱- امکان تحقق و شرایط مطالبه خسارت معنوی

حقوق‌دانان همواره با توجه به ماهیت خاص و پیچیده خسارت معنوی، در امکان مطالبه و شیوه جبران آن در نظام‌های حقوقی اختلاف‌نظرهای اساسی داشته‌اند. یکی از دلایل اصلی این اختلاف، ویژگی‌های منحصر به‌فرد خسارت معنوی است؛ از جمله غیرمالی بودن تألمات روحی و غیرقابل تقویم بودن آن به پول، که مطالبه وجه نقد در قبال درد و رنج روانی را با اصول اخلاقی و موازین شرعی در تعارض نشان می‌دهد (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۹، ۴۵ و کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۳۹۲). دشواری در تعیین میزان و تقویم پولی این خسارت و مباحث اخلاقی پیرامون پرداخت پول برای جبران صدمات روحی، موجب شده است برخی حقوق‌دانان با استناد به همین ویژگی‌ها، اساساً جبران خسارت معنوی از طریق پرداخت نقدی را نه‌تنها دشوار بلکه غیرموجه و از منظر اخلاقی مردود بدانند. این دیدگاه، ریشه در مبانی فقهی و نگرش‌های سنتی حقوقی دارد که بر ماهیت

خسارت را می‌توان به دو دسته مادی و غیرمادی تقسیم کرد. خسارت غیرمادی خود شامل دو نوع است: فیزیکی، مانند آسیب‌های وارد بر جسم، و غیرفیزیکی یا همان خسارت معنوی، که متوجه روح و روان انسان می‌شود. بنابراین، نسبت خسارت غیرمادی و خسارت معنوی عموم و خصوص مطلق است؛ به این معنا که هر خسارت معنوی غیرمادی است، اما هر خسارت غیرمادی الزاماً معنوی نیست. (حسینی‌مدرسی و گلشنی، ۱۳۹۲: ۱۳)

خسارت‌های غیرمادی و معنوی در حقوق داخلی اغلب کشورها جایگاه ویژه‌ای دارند. بررسی جبران این خسارت‌ها ضروری است، زیرا اولاً رابطه مستقیم با مرتکب ندارند و ثانیاً ماهیتی نامحسوس و دشوار برای اندازه‌گیری دارند (غلامی، ۱۳۹۴: ۴۷). قوانین معمولاً روش و معیار واحدی برای جبران خسارت معنوی تعیین نکرده و صرفاً با وجه نقد قابل جبران نیستند. در حقوق ایران و افغانستان، بر پایه فقه امامیه و حنفی، دیه خسارات بدنی را جبران می‌کند، اما زیان‌های معنوی سازوکاری ندارند؛ با این حال، اصل «لاضرر» می‌تواند مبنای فقهی پذیرش جبران آنها باشد. طباطبایی، ۱۳۹۷: ۶۵. افزون بر این، قوانین ایران و افغانستان، مانند فقه، در شیوه‌های جبران خسارت معنوی ابهام دارند؛ اگرچه اصل «جبران کامل خسارت» پذیرفته شده، اما مقرره‌ای صریح درباره روش‌های جبران معنوی وجود ندارد. (رحیمی، ۱۳۹۸: ۱۱۵). با پذیرش جبران معنوی بر پایه قاعده «لاضرر»، می‌توان از حقوق عرفی و قوانین موضوعه بهره برد؛ زیرا این روش‌ها نسبی و متأثر از تحولات اجتماعی‌اند و در سکوت شارع، حکم شرعی استنباط‌پذیر است. بدین‌سان، جبران مالی و غیرمالی زیان معنوی در فقه امامیه و حنفی توجیه‌پذیر است. (رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۱۵)



است. [۲] این مقررات از سوی شورای نگهبان مورد ایراد شرعی قرار نگرفته‌اند. (اصغر آق‌مشهدی، ۱۳۸۲: ۳۶)، به ویژه، تحولی مهم در این زمینه در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ دیده می‌شود که به صراحت خسارت معنوی را، هرچند با قیود، قابل جبران دانسته است. متن ماده ناظر بر ضرر و زیان ناشی از جرم است، اما تبصره نخست آن حکم کلی نسبت به امکان جبران خسارت معنوی تلقی می‌شود. با این حال، ماده یادشده با استثناء جرایم مشمول دیه و تعزیرات منصوص شرعی، این موارد را از اصل جبران کامل خارج کرده، بی‌آن که تعریف روشنی از خسارت معنوی یا تعزیرات منصوص ارائه دهد. بر اساس آن، مطالبه خسارت معنوی و منافع ممکن‌الحصول در این جرایم تنها زمانی ممکن است که حکم به خسارت مالی صادر نشده باشد. محدودیت تبصره دوم شامل منافع از دست‌رفته در جرایم مالی نیست و در این موارد مطالبه ممکن است. افزون بر این، با توجه به منابع فقهی، تعزیرات منصوص دامنه محدودی دارد و معمولاً شامل منافع ممکن‌الحصول نمی‌شود. بنابراین، در جرایم مشمول قصاص، حدود و تعزیرات غیرمنصوص، مطالبه منافع ممکن‌الحصول و جبران خسارت معنوی پذیرفته است. در مجموع، ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری بیانگر پذیرش جبران خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران است، چه به صورت مادی و چه به شکل غیرمادی، گرچه این پذیرش در برخی موارد با محدودیت‌هایی همراه شده است. (هدایتی محبوب و اسدی، ۱۳۸۹: ۹). علاوه بر آن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در مواد متعددی چون اصل (۱۷، ۲۴۵ الی ۲۶۱، ۴۴۴، ۴۴۸ الی ۷۲۳)، به جبران خسارات معنوی اشارات شده است.

در نظام حقوقی افغانستان نیز جبران خسارت معنوی به طور صریح در قوانین موضوعه اعم از مدنی و کیفری، تثبیت و پذیرفته شده است. بر پایه

غیرمادی و شخصی چنین زیان‌هایی تأکید دارد (حسینی نژاد، ۱۳۸۹: ۴۶ و امامی، ۱۳۹۰: ۶۷) برخی حقوق‌دانان با تکیه بر اصل «لاضرر»، قاعده تسبیب و ضمان قهری معتقدند هر ضرر نامشروع، مادی یا معنوی، باید جبران شود. به عقیده آنان، هر فردی که از عمل دیگری زیان ببیند یا منافع مشروع خود را از دست بدهد، حق دریافت خسارت دارد؛ کافی است نفع، مشروع باشد، نه لزوماً مكتسبه یا قانونی. مبنای احترام قانون به دارایی‌های مادی و معنوی، منع سلب منافع یا مالکیت دیگران است؛ این منافع می‌تواند ناشی از اموال، موقعیت اجتماعی، کار یا حمایت ثالث مانند نفقه باشد. هر اقدامی که این منافع را خدشه‌دار کند ممنوع و مسئولیت‌زا است، از جمله مسئولیت مدنی. (داراب پور ۱۳۸۸: ۷۲)

چون خسارت معنوی ماهیتی غیرمالی دارد، تاکنون سازوکار روشن و واحدی برای جبران آن شکل نگرفته است. در بسیاری از نظام‌های حقوقی نیز پرداخت غرامت مالی در این زمینه تنها با تصریح قانون‌گذار پذیرفته می‌شود؛ به‌ویژه در جرایم. علت اصلی این چالش، دشواری سنجش و برآورد میزان واقعی آسیب معنوی است، زیرا ارزیابی دقیق نخستین گام در جبران هر خسارتی به‌شمار می‌رود. (محمدی، مراد پور شاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۰).

با آن که در قانون مدنی ایران صراحتاً [۱] مقررات مستقلی درباره‌ی جبران خسارت معنوی وضع نشده است، اما گروهی از حقوق‌دانان معتقدند که با توجه به عدم مخالفت صریح شورای نگهبان (رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۳۲). با اصل مطالبه خسارت معنوی، این حق در حقوق ایران پذیرفته شده است. این امر بر دو نکته استوار است: اول، شورای نگهبان هرگز مطالبه خسارت معنوی را خلاف شرع ندانسته؛ دوم، اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، امکان مطالبه خسارت معنوی را به رسمیت شناخته‌اند و ماده ۲ همین قانون، فاعل ضرر را مکلف به جبران کرده



۱-۱-۱- مستقیم بودن ضرر

مقصود از «مستقیم بودن ضرر» آن است که زیان وارد شده باید بی واسطه ناشی از فعل عامل زیان باشد تا بتوان آن را به وی نسبت داد. این شرط بدین معناست که میان فعل زیان بار و خسارت وارد شده باید رابطه سببیت عرفی و بی واسطه وجود داشته باشد. قانون آیین دادرسی مدنی ایران مصوب ۱۳۷۹ در ماده ۵۲۰ بر این امر تصریح نموده و مقرر می دارد: «در خصوص خسارت وارده، خواهان باید این جهت را ثابت کند که خسارت وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است، در غیر این صورت دادگاه دعوای مطالبه خسارت را رد خواهد کرد.» به کارگیری واژه «بلاواسطه» در این ماده، دقیقاً ناظر بر مفهوم «مستقیم بودن» است. فلسفه این حکم آن است که در صورت غیرمستقیم بودن ضرر، رابطه سببیت عرفی میان فعل شخص و خسارت منتفی خواهد بود. (یوسفی، ۱۳۹۷: ۱۵ و حاضری و صفایی، ۱۳۹۲: ۶۵) افزون بر این، ماده ۴ آیین نامه اجرایی ماده «۳» قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه (بیمه حوادث راننده مسبب حادثه) مصوب ۱۳۹۶ [۹] نیز بر ضرورت مستقیم بودن ضرر و زیان تأکید دارد. در نظام حقوقی افغانستان نیز، مستقیم بودن ضرر شرط صریح برای امکان جبران خسارت محسوب می شود. به موجب ماده ۷۷۹ قانون مدنی افغانستان: «محکمه جبران خسارت را به تناسب ضرر عائد تعیین می نماید، مشروط بر اینکه ضرر مذکور مستقیماً از فعل نشأت گرفته باشد»

۱-۱-۲ - مسلم بودن زیان

یکی از شرایط اساسی برای قابلیت مطالبه خسارت، مسلم بودن آن است. به عبارت دیگر، زبانی که مدعی علیه خواستار جبران آن می شود، باید محقق و قابل اثبات باشد و صرف انجام عمل نامشروع یا خلاف قانون،

اصل، (۷۷۴) قانون مدنی مصوب ۱۳۵۵، هرگاه فردی به صورت عمدی یا غیرعمدی با اعمال زیان بار مانند ضرب، جرح یا دیگر اذیت ها ضرر وارد کند، مکلف به جبران خسارت است. از عبارت «... دیگر انواع اذیت بر نفس» برمی آید که هر فعل زیان بار، مالی یا معنوی، مشمول جبران است. همچنین، ماده ۷۷۶، خطا یا تقصیر موجب زیان مادی یا معنوی را مسئول جبران می داند و ماده ۷۷۸ صراحتاً جبران خسارت معنوی را تأیید کرده است. [۳] ضمن مواد مذکور، مواد [۴] ۷۷۹ و [۵] ۱۰۷ قانون مدنی افغانستان نیز به تعیین مرجع ذی صلاح جهت سنجش جبران خسارت و مصادیق از اعمال که موجب جبران خسارت می گردد، اشاره داشته است. در بعد کیفری نیز، کد جزای افغانستان مصوب ۱۳۹۶، در بند (۲) ماده (۱۴) مقرر می دارد: «شخصی که به اثر ارتکاب جرم خساره ای را وارد ساخته باشد، علاوه بر مجازات معینه قانونی، به جبران خسارت وارده اعم از مادی و معنوی محکوم می گردد، حتی اگر قانون صریحاً به جبران خسارت حکم نکرده باشد» [۶]. ماده (۱۳۴) قانون موصوف، نیز یکی از اهداف جزا را جبران آسیب های وارد شده به فرد و جامعه تلقی نموده است که این آسیب ها می تواند مالی یا معنوی باشد [۷]. همچنین قانون آیین دادرسی کیفری افغانستان، مصوب ۱۳۹۲، متضرر از جرم را محق به مطالبه کلیه خسارات وارده، اعم از مادی و معنوی، معرفی می کند. [۸]. با این حال، چالش اصلی همچنان در نحوه تعیین میزان این خسارت و اجرای مؤثر آن در رویه عملی دادگاه ها دیده می شود. (احمدی، ۱۳۸۷: ۲۷۵).

۱-۱ - شرایط عمومی امکان مطالبه خسارت معنوی

یک زیان زمانی قابل مطالبه است که دارای برخی خصوصیات و پیش شرط های قانونی باشد. در بخش پیش رو، این شرایط اساسی به تفصیل بررسی می شود.



(۱۳۷۷: ۲۳۹)

یکی از نکات مهم در مسئولیت مدنی، «از دست رفتن فرصت» است؛ زمانی که شخص به سبب فعل زیان بار دیگری، شانس بهره‌مندی از موقعیت سودآور یا جلوگیری از ضرر را از دست می‌دهد. این ضرر معمولاً به دو صورت است: از دست دادن فرصت کسب امتیاز، مانند محرومیت داوطلب از آزمون، و از دست دادن فرصت دفع ضرر، مانند عدم اقدام به موقع وکیل. در حقوق ایران، هرچند مقرر صریحی نیست، اما در صورت جدی و اثبات پذیر بودن، از دست رفتن فرصت قابل جبران محسوب می‌شود. (صفای و رحیمی، ۱۳۹۶: ۸۵۵)

در نظام حقوقی ایران، هرچند مقرره‌ای صریح در این زمینه وجود ندارد، اما با توجه به پذیرش تدریجی مفاهیم نوین ضرر و تأثیرپذیری این نظام از حقوق فرانسه، می‌توان در صورت جدی و اثبات پذیر بودن از دست رفتن فرصت، آن را نوعی ضرر قابل جبران تلقی کرد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۱۰) در نظام حقوقی افغانستان نص خاصی درباره «فوت فرصت» وجود ندارد، اما ماده ۷۷۶ قانون مقرر می‌دارد: «هرگاه بر اثر خطا یا تقصیر، ضرری به دیگری وارد شود، مرتکب مکلف به جبران خسارت است.» بنابراین، از دست رفتن فرصت نیز مشمول جبران خواهد بود. درباره تأثیر اجبار و اکراه، حقوق افغانستان تصریح می‌کند که اگر فاعل تحت اکراه عمل زیان بار انجام دهد، مسئولیت از او سلب و بر عهده مکره قرار می‌گیرد؛ مشروط بر آنکه فعل زیان بار بالفعل تحقق یافته باشد. (مطمئن، ۱۳۹۵: ۱۲۰) افزون بر آن، ماده ۷۷۸ قانون موصوف نیز صراحتاً جبران خسارت را شامل ضرر معنوی دانسته و بدون شک فوت بخت یکی از مصادیق ضرر معنوی تلقی می‌شود. در نهایت، در هر دو نظام حقوقی ایران و افغانستان، مسلم بودن ضرر از شرایط عمومی مسئولیت مدنی تلقی می‌شود. هرچند از دست رفتن فرصت در قوانین به صراحت نیامده، اما از

بدون ورود ضرر مسلم، موجب مسئولیت نخواهد بود. بنابراین شرط نخست تحقق مسئولیت، ورود ضرر واقعی و مسلم به شخص یا اموال زیان دیده است. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۱۶)

قانون آیین دادرسی مدنی ایران مصوب ۱۳۷۹ نیز این اصل را تأیید می‌کند. بر اساس بند ۹ ماده ۸۴، در دعوی مبهم یا احتمالی، دادگاه با ایراد خوانده، ملزم به صدور قرار رد یا عدم استماع است؛ بنابراین خواسته دعا باید قطعی و بدون تردید باشد. همین قاعده در حقوق افغانستان نیز پذیرفته شده و اصل «لاضرر» مبنای کلی مسئولیت مدنی در فقه اسلامی است. در ماده ۷۷۶ [۱۰] قانون مدنی افغانستان بطور ضمنی انعکاس یافته و مقرر می‌دارد که تنها در صورت ورود ضرر مسلم، شخص مسئول جبران خواهد بود. [۱۱] افزون بر این، از مفاد مواد ششم و هشتم قانون اجراءات مدنی افغانستان استنباط می‌شود که تعیین دقیق طرفین دعا از یک سو، و مشخص بودن موضوع (مدعا به) از سوی دیگر، از جمله شرایط اساسی برای صحت اقامه دعا به شمار می‌رود.

با این حال، ضرر مسلم در هر دو نظام حقوقی محدود به خسارات لحظه وقوع فعل زیان بار نیست و خساراتی که وقوع آنها در آینده محرز و مطمئن باشد نیز قابل مطالبه محسوب می‌شوند. (یوسفی، ۱۳۹۷: ۸۸) و (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۲۶ و اسماعیلی، ۱۳۷۷: ۲۰) به عنوان نمونه، هزینه‌های آینده نگهداری و مراقبت از متضرری که بر اثر حادثه جنای دچار آسیب پایدار شده است، در زمره خسارات مسلم قرار می‌گیرد، نه محتمل. به عنوان نمونه، در صدمات بدنی ممکن است آثار آسیب تدریجی بروز یابد یا محرز باشد که در آینده موجب از کارافتادگی کلی یا جزئی فرد خواهد شد. در چنین فرضی، هرچند تعیین میزان دقیق ضرر در زمان صدور حکم دشوار باشد، اما دادگاه مکلف است اصل وقوع ضرر را بپذیرد و نسبت به ارزیابی و محاسبه آن تصمیم‌گیری کند. (شهیدی، جلد ۳



نیست. در حقوق افغانستان نیز ماده ۳۶ کد جزا ۱۳۹۶ متعارف بودن ضرر را شرط اساسی جبران، از جمله خسارت معنوی، قرار داده است و ماده ۷۸۳ قانون مدنی «مترقبه بودن» ضرر را لازم می‌داند؛ ضرر ناشی از سبب خارجی، حادثه غیرمترقبه، قوه قاهره یا خطای زیان‌دیده یا ثالث، مسئولیتی ایجاد نمی‌کند. (ماری نوئل، ژو بل، متین و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۴۸) برداشت عرفی از واژه «غیرمترقبه» نیز نشان می‌دهد که پیش‌بینی‌پذیری ضرر، شرط تحقق مسئولیت مدنی است. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که هر دو نظام حقوقی ایران و افغانستان در اصل پذیرش شرط متعارف بودن ضرر همسو هستند. با این حال، در ایران این شرط عمدتاً بر پایه تفسیر قضایی و اصول کلی مسئولیت مدنی استوار است، در حالی که در افغانستان به‌صورت روشن و صریح در قانون جزا تصریح شده است.

۱-۴-۱- عدم جبران قبلی

چنانچه خسارت زیان‌دیده به هر نحو جبران شده باشد، امکان مطالبه مجدد منتفی است؛ زیرا زیانی باقی نمانده است. برای مثال، در بیمه‌های خسارت، پرداخت غرامت توسط بیمه‌گر جایگزین جبران توسط عامل زیان می‌شود و زیان‌دیده پس از دریافت کامل، حق رجوع به عامل زیان ندارد، مگر آنکه بیمه‌گر تنها بخشی از خسارت را پرداخت کرده باشد؛ در این صورت، زیان‌دیده می‌تواند مازاد بر مبلغ دریافتی را تا سقف کل خسارت مطالبه کند. (یوسفی، ۱۳۹۷: ۱۶، و حسین صفای و رحیمی، ۱۳۹۶: ۱۰۸)

۱-۲- شرایط اختصاصی امکان مطالبه خسارت معنوی

با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲، می‌توان چنین برداشت کرد که قانون‌گذار در برخی موارد، امکان جبران خسارت معنوی را رد کرده است. مطابق تبصره دوم ماده ۴۱۴ این قانون، مقررات مربوط

منظر تفسیری و با توجه به رویه‌های قضایی قابل پذیرش است.

۱-۳- قابل پیش‌بینی بودن ضرر

یکی از شرایط جبران خسارت، پیش‌بینی‌پذیری آن است. در مسئولیت قراردادی، متعهد تنها نسبت به خسارات پیش‌بینی‌پذیر یا متعارف مسئول است و خسارات غیرمتعارف قابل مطالبه نیستند. در مسئولیت غیرقراردادی، این شرط سنتاً محل تردید بوده است. (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۲۹۹)

دیدگاه غالب امروزی تأکید دارد که در مسئولیت قهری، پیش‌بینی‌پذیری ضرر شرط مسئولیت است و فرد تنها نسبت به خساراتی مسئول است که عرفاً ناشی از فعل یا تقصیر او باشد (نیک‌دوستی و امیریان فارسانی، ۱۳۹۶: ۴۶). برای مثال، فوت مسافر مبتلا به بیماری قلبی بر اثر ترمز قطار، مسئولیتی برای شرکت راه‌آهن ایجاد نمی‌کند. همچنین، قابلیت پیش‌بینی در تعیین ماهیت تقصیر مؤثر است: آگاهی از احتمال ضرر تقصیر عمدی یا سنگین ایجاد می‌کند، در حالی که عدم پیش‌بینی عرفی، وصف تقصیر را منتفی می‌سازد، مگر در مسئولیت محض، که برخی حقوقدانان تسری شرط پیش‌بینی به آن را نیز محتمل می‌دانند. (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ج ۸: ۹۵۸) عده‌ای مبنای اخلاقی را نیز در توجیه این قاعده مؤثر دانسته و آن را نتیجه غیرعادلانه بودن مسئولیت نامحدود قلمداد کرده‌اند. با این حال، این مبنا به دلیل کلی بودن قواعد اخلاقی و امکان توجیه هر دو دیدگاه (جبران همه خسارات یا محدود به خسارات قابل پیش‌بینی) چندان کارآمد دانسته نشده است. (صفای و رحیمی، ۱۳۹۶: ۱۱۱)

در حقوق ایران، ماده ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش‌بینی‌پذیری ضرر را شرط ضمان قهری دانسته است؛ اگر شخصی در مکان مجاز آتش روشن کند و عرفاً پیش‌بینی ضرر ممکن نباشد، مسئول جبران خسارت



خسارت بی دون قید و شرط بصورت مطلق برای زیان دیده به رسمیت شناخته شده و وی مجاز است «درخواست جبران مطابق با مقررات قانون» را مطرح نماید. (علم ستانکزی: ۱۳۹۸: ۴۶)

در خسارت معنوی نیز، مانند سایر خسارات، نامشروع بودن زیان شرط است؛ زیان ناشی از عمل قانونی قابل مطالبه نیست. برای مثال، نصب تابلوی تعطیلی مغازه توسط مأموران صلاحیت دار، حق ادعای خسارت معنوی برای مالک ایجاد نمی کند. (اسماعیلی، ۱۳۷۷: ۴۲) اگر خانواده مقتول با اتکا به حق قصاص قاتل را مجازات کنند، خانواده قاتل به علت آسیب های روحی ناشی از اعدام نمی توانند خسارت معنوی مطالبه کنند؛ زیرا اقدام اولیای دم قانونی است. در ایران، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نیز ورود زیان بدون مجوز قانونی به جان، مال، حیثیت یا سایر حقوق را شرط مسئولیت می داند و مشروع بودن فعل مانع تحقق مسئولیت و مطالبه خسارت می شود.

در حقوق افغانستان نیز قاعده مشابهی وجود دارد. فقره دوم ماده ۷۸۷ قانون مدنی در خصوص افعال زیان بار کارمندان دولت بیان می دارد که هرگاه کارمند بتواند مشروعیت فعل خود را با دلایل معقول و رعایت احتیاط لازم اثبات نماید، مسئولیتی متوجه او نخواهد بود. از مفهوم این حکم برمی آید که تنها در صورت نامشروع بودن فعل زیان بار است که امکان جبران خسارت، اعم از مادی یا معنوی، فراهم خواهد شد. حتی با تحقق شرایط مسئولیت، عوامل مختلفی می توانند مسئولیت را رفع یا کاهش دهند، از جمله دخالت اسباب خارجی، مباح بودن اضرار، توافق عامل و زیان دیده، وضعیت عسرت یا تنگدستی عامل، قوه قاهره و تقصیر زیان دیده. برای نمونه، در حقوق ایران به موجب مواد ۴ و ۱۵ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، و در حقوق افغانستان به موجب ماده ۷۸۲ [۱۲] و ۷۸۴ [۱۳] قانون مدنی، برخی از این عوامل تصریح شده اند.

به منافع ممکن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی شود. بر این اساس، در موارد مربوط به دیات، امکان مطالبه خسارت معنوی وجود ندارد. علت این محدودیت را باید در نظر شورای نگهبان جست و جو کرد. این شورا در بررسی ماده ۴۱۴، اعلام نمود که پذیرش اصل جبران خسارت معنوی و حکم به پرداخت خسارت مالی در مواردی که از نظر شرع یا قانون، مقدار معینی به عنوان ارزش یا دیه تعیین شده و دادگاه بر اساس آن حکم صادر کرده است، خلاف موازین شرع محسوب می شود. همچنین، پرداخت هرگونه خسارت مازاد بر دیه نیز از نظر این شورا مغایر موازین شرع اعلام شد. به دنبال این نظر، قانون گذار ماده ۴۱۴ را به شکل کنونی اصلاح کرد. است. (خالقی، ۱۳۹۳: ۴۹) این در حالی است که در قانون مسئولیت مدنی ایران مصوب ۱۳۳۹، پرداخت خسارت مازاد بر دیه به رسمیت شناخته شده است. ماده (۵) این قانون صراحتاً چنین خساراتی را قابل مطالبه دانسته و ماده ۶ آن واردکننده زیان را مکلف به جبران دیه و کلیه خسارات مذکور کرده است. با توجه به موخرالتصویب بودن قانون آیین دادرسی کیفری و تصریح ماده ۵۷۰ آن درباره نسخ مواد مغایر، مواد ۵ و ۶ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ که با ماده ۱۴ و تبصره های آن در خصوص منافع ممکن الحصول و خسارت معنوی تعارض دارند، به طور ضمنی نسخ شده اند.

در حقوق افغانستان، نظام قانونی صریحی مبنی بر منع یا محدود سازی مطالبه خسارت معنوی در دعاوی کیفری یا موارد مربوط به دیات وجود ندارد. شرایط دسترسی به جبران خسارت در این نظام، در چارچوب حقوق قربانی و با شمول هر دو نوع خسارت مادی و معنوی بصورت مطلق تعریف شده است. به موجب فقره (۲) ماده ۱۴ کود جزا ۱۳۹۶ و به تبع آن ماده ۶ قانون اجراءات جزایی مصوب ۱۳۹۳، ماده ۷۷۷ قانون مدنی، حق جبران



و زیبایی او شود، می‌تواند دعوای خسارت معنوی علیه عرضه‌کنندگان دارو مطرح کند. ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ نیز خسارت معنوی را قابل جبران دانسته و دامنه آن را گسترش داده است. خسارت ناشی از داروی معیوب می‌تواند شامل آسیب‌های جسمانی نیز باشد؛ مسائلی مانند ارتباط دیه با خسارت مادی و معنوی و جبران مازاد بر دیه مطرح است. قوانین داخلی مانند ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸، تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون مطبوعات ۱۳۶۴، و ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ خسارت معنوی را به رسمیت شناخته‌اند. همچنین، قانون اصلاح قانون صلاحیت دادگستری ۱۳۷۹ امکان مطالبه خسارت معنوی و تنبیهی علیه دولت‌ها و اتباع خارجی را فراهم کرده است. بنابراین، با تحقق عناصر قانونی شامل فعل زیان‌بار، ورود ضرر و رابطه علیت، جبران خسارت معنوی و تنبیهی در ایران محل تردید نیست.

۲-۲- در نظام حقوقی افغانستان

حقوق افغانستان نیز همانند بسیاری از نظام‌های حقوقی دیگر، خسارت معنوی را به رسمیت شناخته است. این نوع خسارت نخست در ماده ۵۱ [۲۰] قانون اساسی مصوب ۱۳۸۲ و سپس در فقره (۱) ماده ۶ [۲۱] قانون اجراءات جزایی مصوب ۱۳۹۳ مورد اشاره قرار گرفته است. افزون بر این، برای نخستین بار در قوانین جزای ماهوی افغانستان، فقره (۲) ماده ۱۴ [۲۲]، کود جزای ۱۳۹۶. این بند خسارت معنوی را شناسایی و مقررات گسترده‌ای برای جبران آن ارائه می‌دهد. هر فرد مرتکب جرمی که مسئولیت کیفری و جبران خسارت ایجاد کند، موظف به جبران خسارت مادی و معنوی است. به‌عنوان مثال، انتشار اخبار کذب یا مغرضانه که به تضعیف قدرت دفاعی، اخلاق در عملیات نظامی یا سلب آرامش عمومی منجر شود، علاوه بر مجازات، مستلزم جبران زیان مالی و معنوی

از دیگر عواملی که در حقوق ایران [۱۴] و افغانستان [۱۵]، منجر به معافیت از مسئولیت می‌شود، قوه قاهره است. در صورتی که حادثه خارجی غیرقابل پیش‌بینی و اجتناب‌ناپذیر علت منحصر ورود خسارت باشد، رابطه سببیت میان فعل عامل و زیان منتفی خواهد شد و مسئولیتی بر او مترتب نیست. علاوه بر قوه قاهره، در حقوق ایران [۱۶] و افغانستان [۱۷]، تقصیر زیان دیده نیز از دیگر عوامل معافیت از مسئولیت قلمداد می‌شود. در مواردی که زیان‌دیده با وجود امکان جلوگیری از توسعه خسارت، اقدامی در این راستا به عمل نیاورد، به نظر می‌رسد، در حقوق ایران [۱۸] و افغانستان [۱۹] خسارت بین عوامل ایراد خسارت تقسیم می‌شود. و دادگاه می‌تواند با توجه به نقش هر یک از طرفین در ورود خسارت، میزان مسئولیت را تقسیم کند. بدین ترتیب، هم در حقوق ایران و هم در حقوق افغانستان، اصل بر این است که جبران خسارت معنوی صرفاً در صورتی امکان‌پذیر است که فعل زیان‌بار فاقد مجوز قانونی و نامشروع باشد، در غیر این صورت مسئولیت مدنی منتفی است.

۲- بررسی جایگاه خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران و افغانستان

۲-۱- در نظام حقوقی ایران

نظام حقوقی ایران، خسارت معنوی را به رسمیت شناخته است. پیشینه این موضوع به پیش از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد؛ نخستین بار ماده ۲۱۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و سپس ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۲۸ به آن پرداخته‌اند. همچنین، ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، قابلیت جبران خسارت معنوی را به‌طور صریح تأیید کرده است. پس از انقلاب، اصول ۲۲ و ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جایگاه خسارت معنوی را تثبیت و مشروعیت آن را تأیید کرده‌اند. به عنوان نمونه، به‌عنوان نمونه، اگر زنی دارویی را طبق تجویز پزشک مصرف کند و موجب آسیب به ظاهر



به طور مسلم آن‌ها را در سه محور اصلی، جبران به عین، جبران به معادل و جبران به کیفر خصوص و یا خسارت تنبیهی تقسیم نمود. (مراد زاده و رضوی، ۱۳۹۵: ۷۱). بر همین اساس، ابتدا به بررسی روش‌های مادی جبران خسارت معنوی پرداخته و سپس روش‌های غیرمادی آن مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

۳-۱ روش جبران عینی (واقعی)

روش عینی جبران خسارت می‌تواند هم به صورت مالی و هم به صورت غیرمالی تحقق یابد. با این حال، در این بخش تمرکز بر بررسی شیوه عینی مالی خواهد بود. در این شیوه از جبران خسارت، هدف آن است که زیان دیده به وضعیت پیش از ورود ضرر بازگردانده شود، به گونه‌ای که گویی اساساً خسارتی وارد نگردیده است. (حسن ره پیک، ۱۳۸۸: ۸). چنانچه جبران خسارت به این شکل تحقق یابد و زیان دیده در شرایطی قرار گیرد که هیچ اثری از زیان باقی نماند، می‌توان آن را کامل‌ترین و مطلوب‌ترین نوع جبران دانست [۲۵]. (حاجی عزیز، ۱۳۸۰: ۶۴) با این حال، در عمل به ندرت ممکن است چنین وضعیتی به طور کامل تحقق یابد. در خسارت‌های مالی، اعاده وضع به حالت سابق در بسیاری موارد امکان پذیر است، اما در خسارت‌های معنوی، تحقق این نوع جبران با تردید روبه‌رو بوده و تنها در موارد استثنایی ممکن است (یوسفی، ۱۳۹۷: ۲۲) بر همین اساس، در برخی از انواع خسارت معنوی، هدف از حکم دادگاه می‌تواند بازگرداندن وضعیت زیان دیده به حالت پیشین باشد. به عنوان نمونه، اگر بر اثر حادثه‌ای عضوی از بدن شخص قطع یا مجروح شود، یا به چشم، بینی، دندان و یا چهره زنی آسیبی وارد گردد، در صورتی که امکان درمان کامل، پیوند عضو، ترمیم چشم یا بینی و اصلاح ساختار ظاهری وجود داشته باشد، جبران واقعی در این است که دادگاه حکم به معالجه یا ترمیم دهد. (بیگدلو، ۱۳۸۸: ۱۹۴) در این حالت، وجهی که

است. مجنی علیه حق دارد جبران خسارت وارده را از مرتکب مطالبه کند. همچنین، مواد ۷۷۴ [۲۳] و ۷۷۶ [۲۴] قانون مدنی افغانستان خسارت معنوی را به رسمیت شناخته‌اند. بر اساس این مقررات، واردکننده زیان، اعم از مادی یا معنوی، مکلف به جبران خسارت است، حتی در صورت خطا یا تقصیر. این رویکرد نشان می‌دهد که قانونگذار افغانستان با رویکرد عدالت ترمیمی، آسیب‌های معنوی را نیز قابل جبران می‌داند.

۳-۲ روش های مادی جبران خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران و افغانستان

قاعده «لاضرر» ایجاب می‌کند هیچ زبانی بدون جبران نماند. خسارت معنوی از شایع‌ترین انواع زیان است دراصل بر لزوم جبران آن اتفاق نظر وجود دارد؛ بنابراین با تحقق شرایط مسئولیت مدنی، زیان دیده می‌تواند جبران همه زیان‌های مالی و معنوی را مطالبه کند. از آنجا که آسیب به روح و روان، شخصیت و اعتبار اجتماعی، سرمایه‌های معنوی و عواطف در بسیاری موارد شدیدتر از خسارت‌های مادی است و حتی پیامدهای سنگین اجتماعی دارد، جبران آن در اولویت قرار دارد. عدالت، انصاف و منطق حقوقی نیز بر ضرورت توجه جدی به این امر دلالت دارند. (رشنودی، ۱۴۰۲: ۶۷) با توجه به ماهیت غیرمالی خسارت معنوی، همواره این پرسش مطرح است که جبران آن باید مالی باشد یا خیر. جبران در عمل امری عرفی است و روش‌های آن حصری نیستند؛ مهم تحقق جبران است و ابزارها طریقت دارند نه موضوعیت. گاه تنها پرداخت وجه و گاه یک عذرخواهی ساده کافی است. از این رو، هدف اصلی از جبران خسارت معنوی نه صرفاً بازگرداندن وضع پیشین، بلکه تأمین رضایت خاطر زیان دیده، کاهش آلام او و ایجاد احساس غلبه بر عامل زیان است... (مرادزاده و رضوی، ۱۳۹۵: ۸). با آنکه احصای تمامی شیوه‌های مادی جبران خسارت معنوی به صورت حصری امکان‌پذیر نیست، اما می‌توان



توجه به اوضاع و احوال هر پرونده می‌تواند از میان این شیوه‌ها مناسب‌ترین روش را انتخاب نماید. به طور کلی، با توجه به نظام‌های حقوقی مختلف، می‌توان گفت جبران مالی، شیوه اصلی در جبران خسارت معنوی است. (نقیبی، ۹۶: ۱۳؛ ۳۹۰) در حقوق ایران، مطابق ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، تعیین نوع و میزان خسارت و انتخاب روش جبران در صلاحیت دادگاه قرار دارد. همچنین در حقوق افغانستان، ماده ۷۸۱ قانون مدنی بیان می‌دارد که طریقه جبران خسارت با رعایت اوضاع و احوال از سوی محکمه تعیین می‌شود و این جبران می‌تواند به صورت پرداخت اقساط یا عواید مستمر انجام گیرد. بنابراین، در این نظام نیز اصل در جبران خسارت معنوی، شیوه مالی است.

۳-۳ روش جبران به شیوه اسمی یا نمادی

مثلاً زیان دیده بخواهد نشان دهد که خسارت غیر قابل جبران به او رسیده است که پول نمی‌تواند آن را جبران کند. یا زیان قابل اثبات نباشد، یا زیاندیده تمایلی به جبران مالی لطمه‌های وارده بر حیثیت و اعتبار خود نداشته باشد، دادگاه می‌تواند حکم به جبران خسارت اسمی یا نمادین (سمبلیک) صادر کند. (قدرتی، ۹۶: ۱۳؛ ۵۶) در این روش، هدف اصلی زیاندیده جبران مادی یا معنوی زیان نیست، بلکه اثبات حقانیت و پیروزی بر عامل زیان است (نیک دوستی، وامیریان فارسائی، ۱۳۹۶: ۱۸۹). معمولاً در چنین احکامی، عامل زیان به کمترین مقدار واحد پولی مانند یک دلار، یا ۵۰ تومان، محکوم می‌شود. اهمیت این نوع خسارت صرفاً در تأیید ادعای زیاندیده و ارزش اجتماعی و حقوقی آن است، هرچند مبلغ آن ناچیز باشد. صدور این گونه احکام معمولاً در موارد حمله نافرجام، رفتار توهین‌آمیز یا ضربه‌ای بدون اثر ظاهری مرسوم است. (محمدی، ۱۳۹۸: ۱۱۴) از آنجا که جلب رضایت زیاندیده یکی از اهداف اصلی جبران خسارت معنوی است، دادگاه‌های ایران و افغانستان با استناد به ماده ۳

عامل زیان می‌پردازد، نه به عنوان بدل خسارت، بلکه برای تأمین هزینه‌های درمان و بازگرداندن زیان دیده به وضعیت سابق است. (سلطانی نژاد، ۹۴: ۱۳)

در نظام حقوقی ایران، ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی به صراحت بر لزوم اعاده وضع زیان دیده به حالت پیش از ورود خسارت تأکید کرده است. در حقوق افغانستان هرچند شیوه جبران عینی به طور مستقیم در قانون ذکر نشده، اما ماده ۷۷۶ قانون مدنی با پذیرش اصل جبران زیان، شیوه خاصی را محدود نکرده و به موجب ماده ۷۸۱ همان قانون، تعیین نوع جبران بر عهده قاضی نهاده شده است؛ امری که می‌تواند اعاده وضع زیان دیده به حالت سابق را نیز دربرگیرد. افزون بر این، بند دوم ماده اول قانون مدنی اجازه رجوع به فقه حنفی را داده است و بر اساس نظر امام محمد، جبران خسارت ناشی از ضرب و جرح می‌تواند از طریق درمان و پرداخت هزینه پزشکی تحقق یابد. بر این اساس، با اتکا به این مقررات و فقه حنفی، جبران عینی در حقوق افغانستان حتی خسارت‌های معنوی را نیز شامل می‌شود، هرچند در حقوق ایران تأکید بیشتری بر این شیوه دیده می‌شود. (محمدی، ۱۳۹۸: صص ۱۱۴-۱۱۵)

۳-۲ روش جبران معادلی (بدلی)

خسارات مادی که امکان ترمیم عینی ندارند، از طریق جبران مالی جبران می‌شوند. برای مثال، نقص دست ناشی از ضرب و جرح، به دلیل عدم امکان اعاده وضعیت، با پرداخت مبلغی به زیان دیده جبران می‌شود. بخش عمده‌ای از خسارات معنوی نیز به همین شیوه و به صورت مالی قابل جبران است. (محمد عثمان، بی تا، ص ۳۰). روش‌های مالی جبران خسارت معنوی می‌تواند اشکال گوناگونی داشته باشد؛ از جمله پرداخت پول نقد، اعطای معادل مالی مانند ارائه خدمتی با ارزش اقتصادی، تسلیم مال معین و حتی ترک فعلی که دارای منافع مالی برای زیان دیده است. دادگاه با



بررسی جبران خسارت معنوی نشان می‌دهد روش مالی رایج‌ترین شیوه است، زیرا جبران عینی آن محدود است. روش‌های غیرمالی هرچند در کاهش آلام مؤثرند، کمتر موجب تشفی خاطر می‌شوند و اغلب نیازمند پشیمانی مالی‌اند. شیوه‌های اسمی و تنبیهی نیز محدود و معمولاً با عنصر مالی همراه‌اند. بنابراین، روش مالی اساس جبران خسارت معنوی است، همان‌طور که قوانین و رویه دادگاه‌های ایران (مواد ۳، ۸ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی) و افغانستان (مواد ۷۷۶ و ۷۸۱ قانون مدنی و ماده ۱۴ کد جزا) نشان می‌دهند. هرچند دادگاه‌ها امکان استفاده از روش‌های دیگر را دارند، در عمل روش مالی اصل است و حقوق ایران به دلیل تصریح به شیوه‌های عینی و غیرمالی نسبت به افغانستان برتری دارد.

۴- روش‌های غیرمادی جبران خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران و افغانستان

علاوه بر روش‌های مادی، نظام‌های حقوقی شیوه‌های غیرمالی جبران خسارت معنوی را پیش‌بینی کرده‌اند که در کاهش آثار زیان و احیای حیثیت بزه‌دیدگان مؤثرند. این جبران‌ها با هدف تأمین رضایت و آرامش روانی زیان‌دیده اعمال می‌شوند و شامل عذرخواهی رسمی، انتشار حکم محکومیت، حق پاسخ متقابل و اقدامات تکریم و دلجویی هستند.

۴-۱- الزام به عذرخواهی و اعاده اعتبار اجتماعی بزه‌دیده
همان‌طور که قبلاً مطرح شد بهترین راهکار برای جبران خسارت، جبران عینی آن است، به گونه‌ای که زیان‌دیده به وضعیت پیش از وقوع فعل زیان‌بار بازگردانده شود. منظور از جبران عینی خسارت آن است که ضرر به نحوی ترمیم شود که گویی اساساً هیچ زیانی وارد نشده است. (ره پیک، ۱۳۸۸: ۸۹) برای نمونه، چنانچه به فردی از طریق انتشار مطلبی توهین‌آمیز در روزنامه اهانت شود، جبران مناسب می‌تواند به صورت تکذیب همان مطلب در همان رسانه، الزام به عذرخواهی، یا حتی انتشار

قانون مسئولیت مدنی ایران و ماده ۷۸۱ قانون مدنی افغانستان، می‌توانند با درخواست زیان‌دیده، از این روش برای بازگرداندن حیثیت و کاهش تألم روحی و عاطفی وی استفاده کنند به نظر می‌رسد در این رویه، در صورت عدم طرح دعوی مدعی خصوصی، قاضی قادر نخواهد بود به‌طور خودکار به خسارت معنوی حکم دهد. (نقیبی، ۱۳۹۶: ۳۹۳)

۳-۴ روش کیفر خصوصی و یا خسارت تنبیهی

خسارت تنبیهی زمانی مورد اعمال قرار می‌گیرد که شخصی عمداً و با سوءنیت مرتکب جرم یا خطای مدنی شده و به دیگری زیان وارد آورده باشد. (سلطانی نژاد، ۱۳۹۴: ۸۸۳) هدف از حکم به این نوع خسارت، افزون بر مجازات بزهکار، ایجاد اثر بازدارندگی است؛ به گونه‌ای که هم برای مرتکب جنبه تنبیهی و عبرت‌آموزی داشته باشد و هم سایر افراد جامعه را از ارتکاب رفتارهای مشابه در آینده بازدارد (حسن آفشار، ۱۳۹۵: ۸۱۳) از آنجا که تعیین خسارت معنوی غالباً دشوار است و رها کردن مرتکب نیز خلاف عدالت تلقی می‌شود، گروهی از حقوقدانان راهکار کیفر خصوصی را مورد تأکید قرار داده‌اند. (مراد زاده ورزوی، ۱۳۹۵: ۱۰ و نقیبی، ۱۳۹۶: ۴۵)

این نوع مجازات در نظام حقوقی ایران و افغانستان قابل مشاهده است. برای نمونه، مجازات‌های تعزیری - که تعیین نوع و میزان آن بر عهده دادگاه نهاده شده است - و همچنین حدودی همچون قذف، کارکردی مشابه خسارت تنبیهی دارند؛ زیرا ارتکاب این گونه افعال مجرمانه غالباً به حیثیت فردی و خانوادگی و نیز به عواطف انسانی اشخاص لطمه وارد می‌سازد. از این رو، پیش‌بینی مجازات برای مرتکب قذف یا توهین در حقیقت ناظر بر جبران خسارت معنوی زیان‌دیده بوده و چنین نقشی را ایفا می‌کند. (نقیبی، ۱۳۹۶: ۴۵)



می‌توان استنباط کرد که جبران عینی و بازگرداندن زیان‌دیده به وضعیت پیش از ضرر شامل این احکام است. با این حال، در حقوق ایران جایگاه جبران عینی پررنگ‌تر است؛ زیرا ماده ۸ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی بر آن تصریح و تأکید دارند.

۴-۲ از میان برداشتن یا متوقف ساختن منشأ ورود ضرر

یکی از شیوه‌های جبران خسارت معنوی، توقف منشأ ضرر است. جبران خسارت معنوی نسبی و وابسته به شرایط هر پرونده است؛ بنابراین قاضی باید با توجه به اوضاع خاص، مناسب‌ترین راهکار برای رفع زیان بزه‌دیده را انتخاب کند.

برای نمونه، اگر فردی با هدف آزار و اذیت همسایه اقدام به ایجاد صداهای ناهنجار، رفت‌وآمدهای ناهنجار، سروصدا یا رفتارهای مغایر با شئون انسانی نماید، دادگاه می‌تواند او را ملزم به ترک این اعمال و رفع موجبات مزاحمت کند؛ امری که در واقع به معنای اعاده وضعیت زیان‌دیده به حالت پیش از وقوع مزاحمت است. (سلطانی، ۱۳۹۴: ۲۱۱) به

شیوه‌های جبران خسارت معنوی جنبه تمثیلی دارند و نمی‌توان تمامی آن‌ها را حصری برشمرد، هرچند مهم‌ترین روش‌ها همواره مورد توجه قانونگذار است. تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و ماده ۱ قانون مدنی به این ماهیت تمثیلی اشاره دارند و دادگاه می‌تواند علاوه بر جبران مالی، توقف منشأ ضرر، اعاده وضع سابق و جبران زیان‌های گذشته را نیز دستور دهد. ماده ۷۸۱ قانون مدنی افغانستان نیز همین رویکرد را پذیرفته و اختیار تعیین روش مناسب را به محکمه واگذار کرده است.

مطالبی در تمجید و اعاده حیثیت زیان‌دیده تحقق یابد. از آنجا که خسارت معنوی برخلاف خسارت‌های مالی متوجه جسم یا اموال افراد نمی‌شود، بلکه آبرو، حیثیت اجتماعی و آرامش روانی آنان را مورد آسیب قرار می‌دهد، امکان جبران عینی در این‌گونه خسارات بسیار محدود است (یوسفی، ۱۳۹۷: ۲۳). علاوه بر روش‌های مادی، نظام‌های حقوقی شیوه‌های غیرمالی جبران خسارت معنوی را پیش‌بینی کرده‌اند که به کاهش آثار زیان و احیای حیثیت بزه‌دیدگان کمک می‌کنند. این جبران‌ها عمدتاً با هدف تأمین رضایت و آرامش روانی زیان‌دیده اعمال شده و شامل عذرخواهی رسمی، انتشار حکم محکومیت، حق پاسخ متقابل و اقدامات تکریم و دلجویی هستند. (داراب‌پور، ۱۳۸۸: ۱۰).

خسارات معنوی با معیار مالی قابل‌سنجش نیست؛ آبروی ازدست‌رفته یا رنج مادر از فقدان فرزند ارزش پولی ندارد. عقل سلیم نشان می‌دهد که این زیان‌ها قابل‌تبدیل به پول نیستند و اکتفا به عذرخواهی ساده، هم بزهکاران را تشویق و هم بزه‌دیدگان را متضرر می‌کند. (پروین، ۱۳۷۹: ۳۸۲). از این‌رو، بسیاری از صاحب‌نظران حقوقی، الزام مرتکب به عذرخواهی از بزه‌دیده یا بازماندگان وی را یکی از شیوه‌های مناسب برای جبران بخشی از خسارات معنوی قلمداد کرده‌اند. (زراعت و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۳)

در تبصره ماده ۱۴ [۲۶] قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و همچنین در مواد ۸ و ۱۰ [۲۷] قانون مدنی ایران، علاوه بر امکان صدور حکم به پرداخت خسارت مالی، «الزام به عذرخواهی» به‌عنوان یکی از شیوه‌های جبران خسارت به‌صراحت مورد شناسایی قرار گرفته است. در حقوق افغانستان، هرچند الزام به عذرخواهی به‌طور مشخص مورد تصریح قرار نگرفته است، اما از عموم ماده ۷۷۶ [۲۸] قانون مدنی و ماده ۷۸۱ آن که جبران خسارت و شیوه تعیین آن را به محکمه واگذار می‌کند،



نتیجه گیری

جبران محسوب می‌شود و روش‌های غیرمالی، با وجود اهمیت روانی و اجتماعی، بیشتر جنبه تکمیلی دارند. نظام حقوقی ایران با تصریح قانونی بر جبران عینی و اقدامات اعاده حیثیت نسبت به افغانستان، تأکید بیشتری بر تحقق جبران غیرمالی دارد.

علاوه بر این، محدودیت‌ها و عوامل کاهش مسئولیت مانند دخالت اسباب خارجی، قوه قاهره، تقصیر زیان‌دیده و توافق طرفین در هر دو کشور مطرح است. در مجموع، جبران خسارت معنوی اصل است، اما نوع، میزان و شیوه آن بسته به شرایط پرونده و اختیار دادگاه متفاوت بوده و هدف نهایی آن حفظ حقوق، حیثیت و آسایش روحی زیان‌دیده است.

اصل جبران خسارت معنوی در هر دو نظام حقوقی ایران و افغانستان پذیرفته شده و به‌عنوان یکی از حقوق اساسی زیان‌دیده به رسمیت شناخته می‌شود. این نوع خسارت ماهیتی غیرمالی و غیرقابل تقویم دارد که تعیین میزان و نحوه جبران آن را دشوار ساخته و موجب اختلاف نظرهای نظری و عملی شده است. امکان مطالبه خسارت معنوی در هر دو کشور مبتنی بر اصول کلی مسئولیت مدنی و قواعد فقهی «لاضرر» و «قاعده تسبیب» است و تنها زمانی قابل اعمال است که فعل زیان‌بار نامشروع و ورود ضرر بدون مجوز قانونی باشد.

روش‌های جبران خسارت معنوی در ایران و افغانستان ترکیبی از روش‌های مادی و غیرمالی است. از منظر مادی، جبران عینی یا واقعی به معنای بازگرداندن زیان‌دیده به وضعیت پیش از ضرر، مانند درمان یا ترمیم آسیب‌های جسمانی و ظاهری است. در مواردی که جبران عینی ممکن نباشد، جبران معادلی یا مالی از طریق پرداخت وجه، ارائه خدمات اقتصادی یا اعطای معادل مالی صورت می‌گیرد و رایج‌ترین شیوه جبران خسارت معنوی به شمار می‌رود. در شرایطی که خسارت قابل اندازه‌گیری یا جبران مالی نیست، جبران اسمی یا نمادین با صدور حکم کوچک مالی برای تأیید حقانیت زیان‌دیده و جلب رضایت روحی او اعمال می‌شود.

شیوه‌های غیرمالی جبران خسارت معنوی نیز در هر دو نظام حقوقی مورد توجه قرار گرفته است. این روش‌ها شامل خسارت تنبیهی یا کیفر خصوصی برای ایجاد بازدارندگی و عبرت‌آموزی، الزام به عذرخواهی و اعاده اعتبار اجتماعی برای کاهش آثار روانی و اجتماعی زیان‌دیده و از میان برداشتن یا متوقف ساختن منشأ ورود ضرر برای جلوگیری از تکرار رفتار زیان‌بار هستند. با این حال، در عمل، روش مالی همچنان اصلی‌ترین شیوه

[۱] - ولی در برخی موارد قطع استمرار خسارت معنوی به نظر می‌رسد. چنانچه ماده ۱۱۳۰ قانون موصوف به آن اشاره دارد. وافزون بر آن ضمن مواد

۱۱۹۱، ۱۱۷۳، ۱۱۱۷، ۱۱۱۵، ۱۱۰۳، ۱۰۵۶، ۱۰۴۳، ۱۰۴۱، ۱۰۳۷، ۱۰۳۵، ۱۰۳۲، ۱۳۲، ۱۳۰ قانون مدنی ایران، به مصادیق از اعمالی که موجب جبران خسارت می‌گردد، اشاره داشته است. (محمودی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۰)

[۲] - افزون بر ماده مذکور در مواد ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۵، ناظر بر جبران خسارت معنوی بوده که خود بیانگر، توجه مقنن به جبران خسارت معنوی است. (محمودی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۰)

[۳] - ماده ۷۷۸ مقرر داشته است: «جبران خسارت شامل سنجش ضرر معنوی نیز هست». همچنان در فقره دوم این ماده آمده است: «اگر به سبب وفات شخصی که مورد تعدی واقع گردیده، ضرر معنوی به زوج و اقارب وی عاید گردد، محکمه میتواند برای زوج و اقارب تا درجه دوم به



شخصی دیگری مرتکب ضرر گردد، مسئول پنداشته نمی شود. مشروط بر اینکه در دفاع از قدر ضرورت تجاوز نکرده باشد، در غیر آن به جبران خساره عادلانه می‌گردد»

[۱۴]- ماده ۵۳۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

[۱۵]- ماده ۷۸۳: «هرگاه شخصی ثابت نماید که ضرر عاید ناشی از سبب خارجی بدون مداخله وی یا از حادثه غیر مترقبه یا ناشی از اسباب مجبره بوده، یا به سبب خطای شخص متضرر یا از غیر نشأت گرفته است، بضمن مکلف نمی‌گردد. مگر اینکه قانون یا موافقه طرفین بخلاف آن حکم نماید»

[۱۶]- ماده ۴ قانون مدنی

[۱۷]- ماده ۷۸۲ قانون مدنی.

[۱۸]- ماده ۴ ق-م ۱۳۳۹ و ماده ۱۶۵ قانون دریای مصوب ۱۳۴۳،

[۱۹]- ماده ۷۸۹: «هرگاه مسئولین فعل مضر، متعدد باشند در جبران خساره مسئولیت مساوی دارند. مگر اینکه قاضی حصه هر کدام را در جبران خساره تعیین نماید».

[۲۰]- هرچند ماده به صراحت از «خسارت معنوی» نام نبرده است، اما اطلاق واژه «ضرر» نشان می‌دهد مقصود قانون‌گذار محدود به خسارت مادی نیست. بنابراین، قاعده مزبور هم زیان‌های مالی و هم زیان‌های معنوی مانند رنج روحی یا لطمه به حیثیت را دربر می‌گیرد. از این‌رو، سکوت قانون به معنای نفی خسارت معنوی نیست، بلکه بیانگر شمول عام آن است؛ و در برخی مواد دیگر مانند ماده ۲-۶-۲۲-۲۴-۲۵-۳۴-۳۷-۳۸-۵۰ و ۵۸ قانون اساسی نیز بنحوی جبران خسارت معنوی نیز شناسایی و تثبیت شده است..

[۲۱]- فقره ۱ ماده ۶: «..... و جبران خساره مطابق احکام قانون»

[۲۲]- فقره ۲ ماده ۱۴: «شخصی که به اثر ارتکاب جرم خساره یی را

جبران خسارت حکم نماید» بنابراین، اگر تعدی موجب وفات شخص شود و در نتیجه آن، ضرری به نزدیکان متوفی وارد آید، جانی مکلف به جبران خسارت است. بدیهی است که در چنین مواردی، بیش از هر چیز، آسیب‌های روحی و روانی و رنج جانکاه فقدان عضو خانواده قابل تصور است. از همین رو، قانون‌گذار افغانستان جبران این‌گونه خسارات، که در زمره زیان‌های معنوی قرار می‌گیرد، را مورد توجه قرار داده و برای آن مقرراتی پیش‌بینی کرده است. «

[۴]- ماده ۷۷۹ مقرر می‌دارد: «محکمه جبران خسارت را به تناسب ضرر عائد تعیین مینماید...»

[۵]- «هرگاه تفریق بین زوجین قبل از دخول یا خلوت صحیحه واقع گردد، برای زوجه، متعه ای که عبارت از البسه معمول و امثال وی هست، واجب می‌گردد. در تعیین متعه، توان مالی زوج در نظر گرفته شده و به هیچ صورت قیمت آن از نصف مهر مثل تجاوز نمیکند».

[۶]- ماده ۱۴ کود جزای افغانستان، مصوب ۱۳۹۶،

[۷]- ماده ۱۳۴ قانون موصوف.

[۸]- ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری افغانستان، مصوب ۱۳۹۲،

[۹]- ر. ک به ماده ۴

[۱۰]- این ماده و ماده ۷۷۵ وجود ضرر را به صراحت به عنوان پایه و مقدمه مسئولیت مدنی دانسته است.

[۱۱]- ر. ک به ماده ۷۷۶ و ماده ۷۷۵

[۱۲]- ماده ۷۸۲، «هرگاه متضرر نسبت خطای خود در ایجاد و یا تزئید ضرر عاید اشتراک داشته باشد، محکمه میتواند مقدار جبران خساره را تقلیل داده یا اصلا به آن حکم ننماید»

[۱۳]- ماده ۷۸۴: «(۱) ضرورت بقدر ضرورت تعیین می‌شود. (۲) شخصیکه در در حالت دفاع مشروع از نفس یا مال خود و یا نفس یا مال



مرتکب به جبران خساره مکلف می باش»

[۲۵] - البته در جای که امکان رد عینی یا مثل آن ممکن باشد.

[۲۶] - ر. ک تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

[۲۷] - ر. ک به مواد ۸ و ۱۰ قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۳۹

[۲۸] - ر. ک به ماده ۷۷۶ قانون مدنی مصوب ۱۳۵۵

وارد ساخته باشد، علاوه بر مجازات معینه قانونی، به جبران خساره وارده

اعم از مادی و معنوی، نیز محکوم می گردد. این حکم در موارد نیز تطبیق می شود که قانون صریحا به جبران خساره حکم نکرده باشد»

[۲۳] - ر. ک به ماده ۷۷۴:

[۲۴] - ماده ۷۷۶: «هرگاه به اثر خطاء و یا تقصیر ضرری به غیر عاید گردد



مدنی، در فرض تعدد

اسباب، فصلنامه حقوق، دوره ۴۲، شماره ۱

۱۱. حسینی مدرس، مهدی و گلشنی، عصمت، ۱۳۹۲، طریق جبرانی پرداخت خسارت نقض

تعهدات قراردادی در انگلستان و طرح آن در حقوق ایران، دو فصلنامه دانش حقوق مدنی شماره ۲

۱۲. حسینی نژاد، حسینقلی، ۱۳۸۹، مسئولیت مدنی، چاپ اولف تهران، انتشارات مجد.

۱۳. خالقی، علی، ۱۳۹۵، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات شهر دانش.

۱۴. داراب پور، مهراپ، ۱۳۷۷، قاعده مقابله با خسارات، چاپ اول، انتشارات گنج دانش.

۱۵. رشنودی، عارف، احمدی، یوسف، ۱۴۰۲، بررسی تطبیقی شیوه های جبران خسارت معنوی در

نظام حقوقی ایران و انگلستان، تمدن حقوق، دوره ۶، شماره ۱۵.

۱۶. رحیمی، حبیب الله، ۱۳۹۸، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد) چاپ پنجم، تهران انتشارات سمت.

۱۷. ره پیک، حسن، ۱۳۸۸، حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها، تهران، چاپ دوم، انتشارات خرسندی،

۱۸. زراعت، عباس، حاجی زاده، حمید رضا، متولی جعفر آبادی، یاسر، ۱۳۸۸، قانون آیین دادرسی

کیفری در نظم حقوق کنونی، چاپ سوم، تهران، انتشارات خط سوم.

۱۹. سلطانی نژاد، هدایت الله، ۱۳۹۴، بررسی تطبیقی خسارت معنوی، تهران، چاپ اول، میزان دانش.

۲۰. سعیده محمودی و احمد مراد خانی، ۱۳۹۴، «جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق ایران»،

منابع

۱. اسماعیلی، محسن، ۱۳۷۷، نظریه خسارت، چاپ اول، تهران، انتشارات امیر کبیر.

۲. اصغری آقمشهدی، فخر الدین، ۱۳۸۲، جبران خسارت معنوی در حقوق ایران، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی شماره ۹ و ۱۰

۳. آفشار، حسن، ۱۳۹۵، مسئولیت مدنی جبران خسارت معنوی در حقوق ایران، تهران، چاپ دوم، انتشارات مجد.

۴. امامی، سیدحسین، ۱۳۹۶، حقوق مدنی، تهران، چاپ ۲۴، انتشارات اسلامیة

۵. احمدی، عبد الله، ۱۳۸۷، خسارات مادی قابل مطالبه، تهران، چاپ دوم، انتشارات میزان

۶. بشله، ماری نوئل، ژوبل، محمد عثمان، متین، برات علی، و دیگران، ۱۳۹۲، دوره حقوق وجایب، کابل، چاپ سوم، انتشارات سعید.

۷. بیگدلو، فرشته ۱۳۸۸، خسارت معنوی ناشی از جرم در فقه و حقوق، پایان نامه ارشد، دانشگاه الزهرا.

۸. پروین، فرهاد، ۱۳۷۹، خسارت معنوی در حقوق ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس.

۹. حاضری، جواد، صفایی، حسین، ۱۳۹۲، کاهش خسارت توسط زیان دیده، تهران، چاپ اول، انتشارات جنگل.

۱۰. حاجی عزیز، بیژن، ۱۳۹۱، روش های جبران خسارت در مسئولیت



حقوق اسلامی، مجله

مطالعات اسلامی، شماره ۷۶

۳۳. یوسفی، علی، ۱۳۹۷ اصل جبران کامل خسارت در حقوق مسئولیت

مدنی، تهران چاپ اول،

انتشارات جنگل.

۳۴. نیک دوستی، مجتبی، امیریان فارسانی، امین، ۱۳۹۷، آثار حقوقی و کیفری

خسارت معنوی

ناشی از جرم، (مطالعه تطبیقی)، تهران، چاپ اول، انتشارات مجد.

۳۵. هدایتی محبوب، ابو الفضل واسدی، محمد حسن، ۱۳۹۸، نقدی بر ماده

۱۴ قانون آیین دادرسی

کیفری، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۲۶.

قوانین

۱. قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۳۹

۲. قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲

۳. قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲

۴. قانون اساسی ایران مصوب ۱۳

۵. قانون دریایی ایران مصوب ۱۳۴۳

۶. قانون بیمه مصوب ۱۳۹۶

۷. قانون آیین دادرسی ایران مصوب ۱۳۷۹

۸. قانون مدنی افغانستان مصوب ۱۳۵۵

۹. کود جزای افغانستان مصوب ۱۳۹۶

۱۰. قانون اجراء جزای مصوب ۱۳۹۲

۱۱. قانون اساسی افغانستان مصوب ۱۳۸۲

فصل نامه مطالعات فقهی و فلسفی، شماره ۸۸،

۲۱. صفایی، سید حسین، رحیمی، حبیب الله، مسئولیت مدنی، ۱۳۹۶، تهران

چاپ دهم، انتشارات

سمت.

۲۲. طباطبایی حکیم، سید محمد سعید، ۱۴۲۷، مسائل معاصر فقه القضاء،

نجف اشرف، چاپ دوم،

دارالهلل.

۲۳. علم ستانکزی، محمد ظریف، ۱۳۹۸، اصول اجراءات و محاکمات جزائی

۲۴. عمید زنجانی، عباس علی، ۱۳۸۲، موجبات ضمانت تهران، بی چا،

نشر میزان.

۲۵. قدرتی، فاطمه، ۱۳۹۶، مطالبه خسارت معنوی متوفی، تهران، چاپ اول،

انتشارات مجد.

۲۶. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۸، فلسفه حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار.

۲۷. کاتوزیان، ناصر ۱۳۹۵، مسئولیت مدنی، تهران، چاپ چهارم، انتشارات

دانشگاه تهران

۲۸. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۱، وقایع حقوقی ضمان قهری، تهران، چاپ اول،

انتشارات شرکت سهامی انتشار، دانشگاه تهران

۲۹. محمدی، پژمان، مراد پور شاد، امیر، مبین، حجت، ۱۳۹۷، تأثیر قانون

آیین دادرسی کیفری

مصوب ۱۳۹۲، در امکان مطالبه خسارت معنوی وعدم نفع در نظام حقوقی

ایران، فصلنامه

پژوهش های حقوق خصوصی شماره ۲۴

۳۰. مراد زاده، حسن، و رضوی، فهیمه سادات، ۱۳۹۵، شیوه های جبران

خسارت معنوی در زندگی مشترک زوجین، دو فصلنامه فقه و حقوق خانواده

شماره ۶۴.

۳۱. محمدی ۱۳۹۸: احمد مسعود، جبران خسارت معنوی در نظام حقوقی

ایران و افغانستان، رساله کارشناسی ارشد،

۳۲. نقیعی، سید ابو القاسم، ۱۳۹۶، نظریه جبران مالی خسارت معنوی در



تهران: نشر جنگل، ۱۳۸۹.

• عبداللہی احمد. بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی در افغانستان. کابل: انتشارات

پوهنتون، ۱۴۰۰.

• امامی، سیدحسن. حقوق مدنی (مسئولیت مدنی). تهران: انتشارات اسلامی،

چاپ جدید ۱۳۹۷.

• ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، جلد ۱ (شرکت سهامی انتشار

۱۴۰۰) ص ۲۱۶. ←

• قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ۱۳۷۹، ماده

۴۸ بند ۹. ←

• قانون مدنی افغانستان، وزارت عدلیه، ماده ۱۹۷۳. ←

• قانون اجراءات مدنی افغانستان، مصوب ۱۳۶۹، ماده ۶۳. ←

• ناصر کاتوزیان (پیشین) ص ۲۲۱. ←

• وزارت عدلیه افغانستان، رهنمای حقوقی محاکم افغانستان، جلد دوم (انتشارات

وزارت عدلیه) ص ۴۸.

فتاحی صمد نجفی فتاحی، «جبران مادی خسارت معنوی در نظام حقوقی

ایران»، مجله کانون وکلا، شماره ۸۱۱ و ۸۱۲، زمستان

۸۹۱۹، ص ۸۱۰.

سعیده محمودی و احمد مراد خانی، «جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق

ایران»، فصل نامه مطالعات فقهی و فلسفی، شماره ۸۸، تابسان، ۱۳۹۴:

• قانون مدنی افغانستان، مصوب ۱۳۵۵، ماده ۷۷۴، ریاست تقنین وزارت عدلیه

جمهوری اسلامی افغانستان. ←

• همان، ماده ۱۱۱. ←

۱. کود جزای افغانستان، مصوب ۱۳۹۶، ماده ۱۴ بند (۲)، ریاست تقنین

وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان. ←

۲. همان، ماده ۱۳۴. ←

۳. قانون آیین دادرسی کیفری افغانستان، مصوب ۱۳۹۲، ماده ۶، ریاست

تقنین وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان. ←

۱. عبداللہی، احمد. (۱۴۰۰). جبران خسارت معنوی در حقوق افغانستان.

مجله حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل، شماره ۴۵، ص ۲۷۵.

• حسینی نژاد، علی. خسارت معنوی در حقوق ایران. تهران: انتشارات مجد،

۱۳۸۹.

• اصغری آقمشهدی، سیدمحمد. مسئولیت مدنی در حقوق ایران. تهران: نشر

میزان، ۱۳۸۲.

• رهامی، سید محمود. مسئولیت مدنی و خسارت معنوی. تهران: نشر میزان،

۱۳۹۰.

• اهدیتی محبوب، محمد و اسدی، سیدرضا. حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری.